

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

سنجش میزان توسعه یافتنگی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهرستان‌های استان کرمانشاه

ابوالفضل مشکینی^۱، زینب شاهرخی فر^{۲*}، فرامرز متظر^۳

چکیده

مسکن یکی از نیازهای پایه‌ای و اساسی همه افراد و خانوارهاست که وضعیت مطلوب آن نقش مستقیمی در کیفیت زندگی دارد. از راههای مهم آگاهی از وضعیت مسکن در هر برنامه‌ریزی، استفاده از شاخص‌های مسکن می‌باشد. استان کرمانشاه به عنوان یکی از استان‌های غربی کشور، به دلایل گوناگون مشکل مسکن را به صورت حادی درآورده است. این مشکلات خود را به صورت بدمسکنی، کیفیت پایین مسکن، نامناسب بودن بافت و مصالح ساختمانی در سکونتگاه‌ها نمایان کرده است؛ بنابراین تحقیق حاضر با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن به بررسی وضعیت مسکن شهرستان‌های این استان و سطح‌بندی این شهرستان‌ها پرداخته است. روش تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت مبتنی بر روش توصیفی، تحلیلی و همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در سرشماری ۱۳۹۰ می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات، از نتایج سرشماری عمومی نفوذ و مسکن سال ۱۳۹۰ استان کرمانشاه استفاده شده است. آنگاه ۲۱ شاخص کمی و کیفی در پیش‌مسکن انتخاب شده و به وسیله روش آنتروپی شانون وزن دهی شده‌اند، سپس از مدل VIKOR برای سطح‌بندی شهرستان‌ها استفاده شد. بر اساس این سطح‌بندی، شهرستان‌های کرمانشاه و پاوه در بالاترین سطح برخورداری و شهرستان‌های سرپل‌ذهاب، قصر شیرین، سنقر، دالاهو و ثلث باباجانی در پایین‌ترین سطح برخورداری قرار دارند. نتیجه همبستگی پیرسون حاکی از همبستگی نسبتاً بالا در بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌ها با جمعیت و همبستگی نسبتاً ضعیف در رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌ها و نزدیکی به مرکز استان می‌باشد. در پایان پیشنهاد می‌شود که شهرستان‌های کمتر برخوردار و محروم در اولویت برنامه‌های توسعه مسکن قرار گیرند.

واژگان کلیدی: شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، مسکن، مدل ویکور، استان کرمانشاه.

^۱. استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران

^{۲*}. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران. Email: Zeinab.shahrokhy@gmail.com

^۳. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

مقدمه

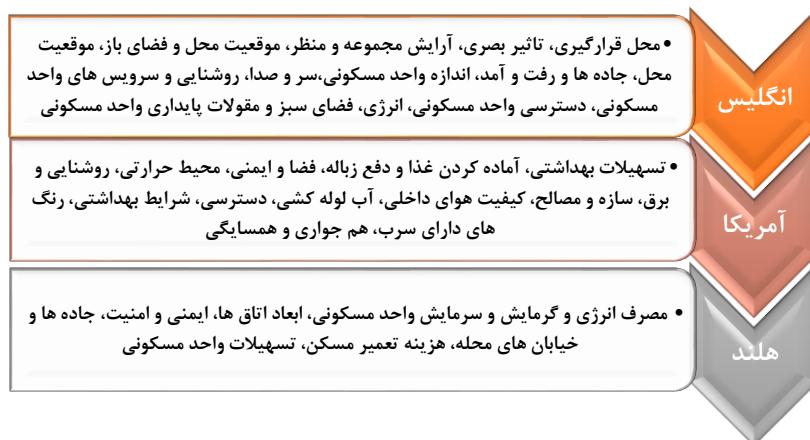
پس از انقلاب صنعتی، فرایند شهرنشینی در جهان به طور فزاینده‌ای رشد کرد. چنین رشد شتاب‌زده‌ای باعث پیدایش مسائل و مشکلات فراوانی در شهرها گردیده است؛ که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مربوط به مسئله مسکن است (Short & et al, 2008)؛ که هم‌زمان با شکل‌گیری جوامع بشری و به‌تبع آن تلاش جدی بشر برای ایجاد آسایش در زندگی شخصی خود، به عنوان یکی از مهم‌ترین خواسته‌های بشری مطرح گردید. حق برخورداری از مسکن مناسب به عنوان بخشی از حق زندگی در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و بر آن تأکید شده است (شاهرخی‌فر، ۱۳۹۵: ۲). از جمله سازمان ملل، در بیانیه جهانی حقوق بشر عنوان می‌کند که هر کسی برای دستیابی به یک سطح استاندارد مناسب زندگی برای سلامتی و بهزیستی خود و خانواده‌اش حقی دارد. این سطح استاندارد مناسب برای زندگی از نظر سازمان ملل شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم است (Choguill, 2007:143)؛ در بیانیه جهانی حقوق بشر این سازمان، سطح استاندارد مناسب برای زندگی شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم است (Choguill, 2007: 143). همچنین در استراتژی جهانی مسکن، مسکن مناسب چنین تعریف شده است؛ مکانی برای حفظ حریم خصوصی، دارای فضای کافی، امنیت کافی، روشنایی و تهییه کامل زیرساخت‌های اساسی کافی و قابلیت دسترسی به امکانات عمومی و دارای هزینه‌ای معقول و مقرون به صرفه (Un-Habitat, 2002: 3). به تأکید سازمان بهداشت جهانی (WHO) مسکن مهم‌ترین عامل زیست‌محیطی مرتبط با شرایط بیماری و امید به زندگی و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتنگی از نظر فیزیکی یا کالبدی به شمار می‌آید (زياری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). با این حال مسئله مربوط به مسکن، به‌هیچ‌وجه واضح نیست؛ زیرا برخی موضوعات مسکن دارای وابستگی‌های چندگانه هستند. موضوع تحقیقی در صورتی مربوط به مسکن تلقی می‌شود که توصیف آن مستلزم ارجاع به مسکن باشد؛ بنابراین با توجه به این تعریف، انتخاب مسکن، خانه‌سازی، بی‌خانمانی، تاریخ و سازماندهی مسکن اجتماعی، حقوق مسکن، جدایی مسکونی، ساخت و ساز خصوصی، خصوصی‌سازی سهام عمومی اجاره، سیاست مسکن، همسایگی، جامعه محلی و غیره همه مسائل مرتبط با مسکن هستند (179: Ruonavaara, 2018); بنابراین مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد و بر قلمرو فیزیکی و اجتماعی نیز دلالت دارد (47: Hafazah, 2012); که در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایتمندی فرد از سکونت در محله، نیز می‌باشد (187: Westaway, 2006)؛ میزان دستیابی به وضعیت مطلوب مسکن چه در نواحی شهری و چه در نواحی روستایی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشورهای جهان محسوب می‌شود (11: Arnott, 2008). در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد سریع جمعیت، فقدان منابع مالی، مشکلات مربوط به زمین، کمبود نیروی انسانی ماهر و مهم‌تر از همه نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در رابطه با زمین و مسکن، مسئله مسکن را به صورت حاد و بحرانی درآورده است (11: Arnott, 2008). امروزه باید قبول کنیم حدود ۱ میلیارد نفر در محله‌های فقیرنشین و سایر مسکن‌های غیراستاندارد و با امنیت نامناسب و عدم کفايت آب و فاضلاب زندگی می‌کنند. تا سال ۲۰۳۰، حدود ۳ میلیارد نفر یا حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان، به مسکن، زیرساخت‌های اساسی و خدمات نیاز دارند. این امر نیاز به احداث ۱۵۰، ۹۶ واحد مسکونی با زمین‌های مستغل تأمین شده در روز از حالا تا سال ۲۰۳۰ دارد (UN habitat, 2011: 8). در مقابل بخش مسکن خوب، می‌تواند تهیه و دسترسی مناسب به مسکن را در میان تمامی گروه‌های بهداشتی، آموزش، فضای کافی را فراهم سازد (Warnock & Warnock, 2008: 239)؛ مسکن مناسب باید در یک مکان اجازه دسترسی به اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، فضای کافی را فراهم سازد (UN habitat, 2015: 34). لذا موضوع مسکن در برنامه‌ریزی شهری، علاوه بر بعد اقتصادی، از نظر اجتماعی، فرهنگی، محیطی و کالبدی نیز، اهمیت دارد؛ واحد مسکونی با تأثیرپذیری از ارزش‌های محیطی، از ویژگی‌هایی برخوردار می‌شود و این ارزش‌ها، بعد فضایی-کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسکن محسوب

می‌شوند (Aluko, 2011: 70). از این‌رو؛ برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف سعی در حل مسائل مربوط به آن دارند (Buckley & Kalarickal, 2005: 237). تحلیل مسائل مسکن از طریق ابزاری صورت می‌گیرد که به صورت متغیرهایی به نام شاخص‌های مسکن مطرح بوده و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند. به کمک این شاخص‌ها می‌توان پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح در خصوص مسکن را تسهیل نمود (عبدیینی و کریمی، ۱۳۹۳: ۵۶). شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. به کمک این شاخص‌ها می‌توان تصویر درست و قابل فهمی را از شرایط مسکن به دست داد و پیشرفت‌ها و کم‌وکاستی‌ها را در تحقیق اهداف بخش مسکن مشخص نمود (صارمی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱). بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن یکی از شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم صحیح مسکن را تسهیل نمود. از طرفی شاخص مسکن ابزار مناسبی برای سنجش وضع موجود و میزان تحقق برنامه‌ها در طول اجرای آن‌ها از یکسو و شفافسازی در امر ناظارت بر چگونگی اجرای سازمان‌های ذی‌ربط و عملکرد آنان از سوی دیگر خواهد بود (عبدیینی و کریمی، ۱۳۹۴: ۳). در این میان استان کرمانشاه به عنوان یکی از استان‌های غربی کشور، به دلایل تغییر ابعاد خانوار و بالا رفتن توقعات به شکل زیستن در خانه‌های مستقل، گرانی زمین شهری از یکسو و محدودیت و کمبود خدمات مسکن از طرف دیگر، مشکل مسکن را به صورت مشکلی حاد درآورده است. این مشکلات خود را به صورت بد مسکنی، کیفیت پایین مسکن، نامناسب بودن بافت و مصالح ساختمانی در سکونتگاه‌ها نمایان کرده است. که بسیار نگران‌کننده به نظر می‌رسد. همچنین با نگاهی اجمالی تر به بخش مسکن در این استان شاهد وجود شکاف قابل توجهی میان شهرستان‌های این استان می‌باشیم؛ بنابراین سطح‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، وضعیت موجود، نقاط ضعف و قوت آن و شهرستان‌های برخوردار و محروم را مشخص کرده و می‌تواند تا حد زیادی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در زمینه توسعه و محرومیت‌زدایی و برقراری عدالت اجتماعی یاری رساند.

مبانی نظری

با آغاز قرن بیست و یکم کشورهای جهان سوم با چالش‌های مهمی چون فراهم آوردن سرپناه مناسب، اشتغال و محیط‌زیست پایدار مواجه هستند. در این‌میان سرپناه مناسب به دلیل وجود نیازهای اولیه خانوار یا فرد در آن همچون خواب، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت، اهمیت بسزایی دارد (کشور دوست، ۱۳۹۲: ۲). مسکن که در لغت به معنی محل سکنی گزیدن است دارای ابعاد متنوع و پیچیده‌ای می‌باشد که شکل‌گیری آن، بازتاب و برآیند شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و ایدئولوژی می‌باشد و معنی آن با توجه به گوناگونی شرایط فوق تغییر می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). مفهوم مسکن علاوه بر ساخت فیزیکی که یک خانواده به عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌دهد، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی ضروری موردنیاز برای بهزیستی خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و تندرستی افراد است (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸: ۴). درک وجود مسکن و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوده نمادین، نهادین، مادی و زیبا شناسانه فرهنگ مسکن امکان‌پذیر است (بهرامی، ۱۳۹۰: ۲)؛ بنابراین توجه به مفهوم اجتماعی – فرهنگی، تاریخی و سیاسی مسکن و گریز از نگرش تک‌بعدی، منظر دیگری را در بررسی مفهوم مسکن مطرح می‌سازد که همانا ماهیت فضایی مسکن است. مفهوم فضایی مسکن، مفهومی فراتر از مکان است و آن را می‌توان چنین بیان نمود: مسکن فضایی است که با در نظر گرفتن همه روابط اجتماعی

مردم در زمینه همبستگی‌ها، علاقه‌ها، سلیقه‌ها و منافع و تضادها، آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. بدین ترتیب مسکن به عنوان فضایی مطرح می‌گردد که بالاجبار به صورت منجمد قابل لمس نیست و حد آن در رابطه و به نسبت رشد و سلطه فکری و اجتماعی انسان، متغیر می‌باشد. در این زمینه می‌توان گفت که معنی و بعد مسکن از یکسو به خصوصیات فردی مربوط می‌گردد و از سوی دیگر تابع مجموعه روابطی (قراردادی و ضمنی) است که بر طبق آن مردم در یک محله یا یک شهر باهم تماس‌هایی را معمول می‌دارند (زنگی آبادی و علیزاده، ۱۳۹۲: ۸). مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای به زیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم شود (Knapp, 1982: 35). با وجود توجه اساسی به بخش مسکن و برطرف شدن این نیاز از جنبه کمی آن، مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی با نگرشی کیفی به مسئله مسکن، معتقد است که بحران واقعی مسکن در کمبود آن نیست، بلکه بحران واقعی در جستجوی آدمی برای سکونت است و انسان پیش از هر چیز باید سکونت گزینی را یابموارد وی، زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را متراffد باهم می‌داند (ابراهیم‌زاده و قاسمی، ۱۳۹۰: ۹۰). گرچه عنوان سرپناه، نیاز اولیه خانواده یا فرد مانند خوارک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می‌شود، لیکن برنامه‌ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود که در آن واحدهای مسکونی جزئی از فضاهای تغییر شکل یافته و تطابق یافته شهری محسوب می‌شود که بر حسب موضوع در چارچوب برنامه‌ریزی مسکن مورد توجه قرار می‌گیرد. بر همین اساس برنامه‌ریزی مسکن با تخصیص فضاهای قابل سکونت به نیازهای مسکونی و توجه به محدودیت منابع و استفاده از تئوری‌ها و تکنیک‌های ویژه با چارچوب‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سروکار دارد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۵-۳۳). یک جنبه از برنامه‌های تأثیرگذار در برنامه‌ریزی مسکن، مشخصات فیزیکی مسکن است که تا حدود زیادی اهداف کیفی را در برنامه‌ریزی مسکن پوشش می‌دهد. به علت گسترده‌گی و پیچیدگی در مطالعات مسکن باید از شاخص‌های مسکن استفاده کرد. این شاخص‌ها در ابتدا توسط بیدرمن (۱۹۶۶) و شلدون مور (۱۹۶۸) به کاربرده شد. آن‌ها از شاخص مسکن به عنوان یک وسیله‌ای برای اندازه‌گیری پیشرفت اهداف اجتماعی استفاده کردند (Flood, 2012: 502-503). پس از آن UN-HABITATE (۲۰۰۹: 3) از آن UN-HABITATE به عنوان یک‌نهاد پیشگام در جمع‌آوری شاخص‌های شهری در سال ۱۹۹۱ میلادی، موضوع شاخص‌های مسکن را بنیان نهاده و تمرکز خود را بر روی نظارت بر عملکرد سکونت‌گاه‌ها گذاشته است. شاخص‌هایی که در این دهه همواره بر آن تأکید می‌شد و توسط دولت‌ها کنترل می‌گردید، عبارت بودن از: سیستم دفع فاضلاب نامناسب، فقدان آب آشامیدنی سالم و کافی، ازدحام تراکم و ساختار مسکن بی‌دوام (پشاور آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹). این شاخص‌ها به عنوان بخشی از مطالعات مسکن و برنامه‌ریزی مسکن به مرور زمان دچار تغییر و تحولات شده‌اند (UN-HABITATE, 2009: 3). ضرورت و اهمیت شاخص به این دلیل است که سیاست‌های مسکن که در جوامع مختلف صورت می‌گیرد بر اساس این شاخص‌ها است. از طرف دیگر مسکن یک سرپناه و نیاز اساسی هست که باید در دسترس تمام خانواده‌ها قرار بگیرد. دسترسی به خدمات آموزشی کودکان، دسترسی به شغل بزرگ‌سالان، مقرن به صرفه از لحاظ اقتصادی، بهداشت خوب برای ساکنین، ارائه خدمات مناسب به شهروندان و... از جمله شرایط و معیارهای مسکن مناسب در سراسر جهان هستند. از سوی دیگر در مباحث اقتصادی، مسکن و شاخص‌های مسکن، در بازار مسکن، دسترسی به منابع مالی، روش عملی و خردمندانه برای یارانه‌های دولتی در برای برنامه‌ریزی شهری هدفمند می‌باشد (Reckford, 2005: 3). در این بخش موارد دخیل در کیفیت مسکن در کشورهای انگلیس، آمریکا و هلند اشاره می‌گردد:



شکل (۱): عوامل مؤثر بر کیفیت مسکن در انگلیس، آمریکا و هلند

مأخذ: گروپی، ۱۳۹۵: ۲۴.

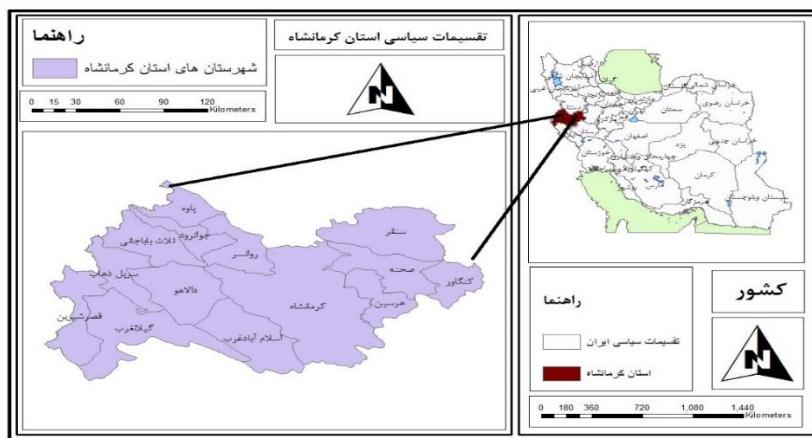
با توجه به شکل شماره ۱ برای شناخت وضعیت مسکن در شهرها از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که در تحقیق حاضر به طور کلی از دو دسته کمی و کیفی استفاده می‌شود:

شاخص‌های کمی مسکن: تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم اتاق در واحد مسکونی، متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار، متوسط سطح زیربنا (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶-۷)، تراکم خانوار در اتاق، کمبود واحدهای مسکونی، تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر، سطوح و سرانه مسکونی (محمدی و رضویان، ۱۳۹۰: ۶). جزو شاخص‌های کمی مسکن می‌باشدند.

شاخص‌های کیفی مسکن: مسکن نقش باله‌میتی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی و بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و بهنوبه خود در کل سیستم شهری نیز تأثیر می‌گذارد. کیفیت مسکن از طریق تعداد تسهیلات و امکانات موجود در واحدهای مسکونی، نحوه تصرف، میزان دوام و همچنین عمر آن می‌توان اندازه‌گیری کرد (زیاری و زرافشان، ۱۳۸۵: ۷).

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه، در ۳۳ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام و از شرق به استان همدان و از غرب با ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق همسایه است. این استان با وسعت ۲۵۰۳۸ کیلومترمربع در سال ۱۳۹۰، ۱۹۴۵۲۲۷ نفر جمعیت داشته و ارتفاع متوسط آن از سطح دریاهای آزاد حدود ۱۲۰۰ متر است. استان کرمانشاه به لحاظ تقسیمات سیاسی شامل ۱۴ شهرستان، ۲۹ بخش، ۲۸ شهر و ۸۵ دهستان بوده و میزان شهرنشینی و روستانشینی در این استان به ترتیب ۶۹/۷ درصد و ۳۰/۱ درصد جمعیت استان جزو جمعیت غیر ساکن است (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۰).



شکل (۲): محدوده مورد مطالعه و موقعیت آن در کشور

جدول (۲): جمعیت شهری و روستایی استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت	شهری	جمعیت	شهرستان	شهری	جمعیت	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی
اسلام‌آباد غرب	۱۵۱۴۷۳	۹۶۰۶۲	۵۵۰۶۴	ستقر	۹۱۹۳۵	۴۶۱۸۱	۴۵۷۵۴					
پاوه	۵۶۸۳۷	۳۰۲۴۲	۲۶۵۹۵	صحنه	۷۶۶۷۸	۳۷۱۴۰	۳۹۵۲۰					
ثلاث باباجانی	۳۸۴۷۵	۱۳۳۳۶	۲۵۰۴۸	قصر شیرین	۲۵۵۱۷	۱۷۹۶۸	۷۲۲۱					
جوانرود	۷۱۲۳۵	۵۱۴۸۳	۱۹۷۵۲	کرمانشاه	۱۰۳۰۹۷۸	۸۵۷۰۴۸	۱۱۳۴۴۱					
دالاهو	۳۹۸۳۷	۱۲۹۳۰	۲۶۵۷۳	کنگاور	۸۱۰۵۱	۵۳۴۴۹	۲۷۳۹۶					
روانسر	۴۶۳۹۵	۲۴۵۹۲	۲۱۸۰۳	گیلان غرب	۶۲۸۵۸	۲۳۷۸۰	۳۷۸۱۴					
سرپل ذهاب	۸۵۶۱۶	۳۵۸۰۹	۴۹۳۸۴	هرسین	۸۶۳۴۲	۵۵۰۷۴	۳۱۲۵۶					

منبع: سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ استان کرمانشاه

روش تحقیق

روش این تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت مبتنی بر روش توصیفی، تحلیلی و همبستگی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده است که در آن اطلاعات موردنیاز از نتایج سرشماری عمومی نفووس و مسکن سال ۱۳۹۰ مربوط به استان کرمانشاه و مراجعه به سازمان‌های مربوطه گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ می‌باشد که درصد است میزان توسعه‌یافته‌گی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه را بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن تعیین نماید. برای تعیین این سنجش از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن استفاده شده است، سپس وزن هر یک از شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپوی شانون تعیین شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها و رتبه‌بندی شهرستان‌ها با مدل VIKOR انجام گرفته است. همچنین از نرم‌افزار SPSS برای بررسی همبستگی‌ها میان عامل‌ها، از نرم‌افزار EXCEL برای انجام محاسبات و از نرم‌افزار GIS برای تهیه نقشه استفاده شده است.

معرفی شاخص‌های استفاده شده

شناخت بهتر و دقیق‌تر از مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت منوط به در دسترس داشتن اطلاعات کامل و پردازش شده از مکان‌های موردنظر است. برای نیل به این مهم از شاخص‌ها و متغیرها استفاده می‌شود (امان‌پور و مودت،

۸). شاخص‌های مسکن شاید مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار در برنامه‌ریزی مسکن باشد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). به کمک این شاخص‌ها می‌توان پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح در خصوص مسکن را تسهیل نمود (عابدینی و کریمی، ۱۳۹۴: ۸). مسکن به عنوان یکی از پدیده‌های انسان‌ساخت دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که در کارکردها و جلب رضایت‌مندی استفاده کنندگان آن تأثیر دارد. خصوصیاتی مانند شکل مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت، اینتی، راحتی و میزان دسترسی ساکنان به تسهیلات، تأمین تجهیزات و تأسیسات، زیرساخت‌های موردنیاز مسکن و مانند این‌ها در کیفیت مسکن تأثیرگذار می‌باشند. البته قابل ذکر است که این موارد با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و جملگی در ارتقای کیفیت مسکن مؤثرند. نکته مهم در مفهوم کیفیت مسکن این است که مسکن علاوه بر اینکه به عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌گیرد و مکانی است که خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات ضروری متعددی برای بهتر زندگی کردن خانواده و افراد فراهم می‌آورد، دارای ساختار فیزیکی نیز هست. درواقع مؤلفه‌های دسته نحس تا حد زیادی به این ساختار و کیفیت آن وابسته است. به عبارت دیگر بخشی از خدمات و تسهیلات عمومی لازم مسکن برای بهتر زندگی کردن انسان، با مشخصات فیزیکی مسکن ارتباط دارد (Domanshi, 2008: 235).

با منظور شناخت میزان توسعه‌یافتنگی شهرستان‌های استان کرمانشاه در بهره‌مندی از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ مربوط به استان کرمانشاه و مراجعه به سازمان‌های مربوطه استفاده شده است. به منظور خلاصه کردن مقاالت، اعداد در محاسبات تا هشت رقم اعشار ولی در نمایش یک الی چهار رقم اعشار نمایش داده شده است. شاخص‌های بکار گرفته شده در این تحقیق در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول (۱): شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

شاخص	شاخص
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل برق	رشد خانوار
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل تلفن	بعد خانوار
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آب‌لوله‌کشی	ضریب مهاجرت
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی	نرخ رشد مسکن
حداقل دستگاه حرارت مرکزی	ضریب کمبود مسکن
حداقل حرارت و برودت مرکزی	متوسط خانوار به واحد مسکونی
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آشپزخانه	متوسط نفر در واحد مسکونی
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل حمام	متوسط تعداد اتاق در تصرف خانوار
درصد واحدهای مسکونی بادوام	متوسط نفر در اتاق
درصد واحدهای مسکونی بی‌دoram	متوسط اتاق در واحد مسکونی
تعداد کل شاخص‌ها = ۲۱	میانگین عمر بنا

منبع: سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ و مطالعات نگارندگان برگرفته از مبانی نظری.

یافته‌های تحقیق و مدل ویکور

ویکور یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره است که برای تعیین اولویت در رتبه‌بندی بکار می‌رود (Huang & et al, 2009). این مدل برای بهینه‌سازی چندمعیاره سیستم‌های پیچیده توسعه‌یافته است (Opricovic & Tzeng, 2004). از مزیت‌های

این مدل قدرت بسیار بالای آن در کاهش پیچیدگی تصمیم‌گیری، استفاده هم‌زمان از معیارهای کمی و کیفی می‌باشد. هدف اصلی روش ویکور نزدیکی بیشتر به جواب ایده‌آل هر شاخص است (سرور و خلیجی، ۱۳۹۴: ۷). در شرایطی که فرد تصمیم‌گیرنده قادر به شناسایی و بیان برتری‌های یک مسئله در زمان شروع و طراحی آن نیست، می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای تصمیم‌گیری مطرح شود (توكلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). اپریکوویک و تزنگ در سال ۱۹۸۸ این روش را ارائه و سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ آن را توسعه دادند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷). مراحل مدل ویکور به صورت زیر می‌باشد:

گام اول: تشکیل ماتریس تصمیم؛ با توجه به تعداد معیارها و تعداد شهرستان‌ها و ارزیابی همه شهرستان‌ها در ارتباط با شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، ماتریس تصمیم به صورت زیر تشکیل می‌شود.

$$X_{ij} = \begin{bmatrix} x_{11} & \cdots & x_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{m1} & \cdots & x_{mn} \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (۱):}$$

که در رابطه بالا، x_{ij} معرف صورت وضعیت شهرستان‌ها در زمینه مسکن ($i=1,2,\dots,m$) j در رابطه با معیار ($j=1,2,\dots,n$) می‌باشد.

گام دوم: بی مقیاس کردن ماتریس تصمیم؛ در این مرحله با استانداردسازی داده‌ها، سعی می‌شود معیارها با ابعاد مختلف به معیارهایی بی‌بعد تبدیل شوند.

$$f_{ij} = \begin{bmatrix} f_{11} & \cdots & f_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ f_{m1} & \cdots & f_{mn} \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (۲):}$$

که ماتریس فوق با توجه به رابطه زیر استاندارد شده است:

$$f_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m x_{kj}^2}} \quad \text{رابطه (۳):}$$

گام سوم: تعیین وزن معیارها؛ وزن دهی به شاخص‌ها از طریق روش آنتروپی صورت می‌گیرد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۳۵۹). این روش بر اساس پرآکندگی مقادیر شاخص‌ها، اوزان مربوط به هر شاخص را حساب می‌کند. آنتروپی قابلیت آن را دارد تا در صورتی که تصمیم‌گیرنده‌گان ارزیابی اولیه‌ای از اهمیت شاخص‌ها داشتند، آن را دریافت کرده، اوزان به دست آمده بر اساس مدل را تغییر کند (پورطاهری، ۱۳۹۳: ۸۸). در این گام، وزن‌های (w_j) اختصاص یافته به هر صفت تعیین می‌شود؛ مجموع وزن‌ها باید به گونه‌ای باشد که رابطه زیر به دست آید.

$$1 \leq w_j = 1 \quad \text{و} \quad \sum_j w_j = 1 \quad \text{رابطه (۴):}$$

جدول (۳): وزن شاخص‌های مورداستفاده در تحقیق

شاخص	وزن	شاخص	وزن	وزن	وزن
رشد خانوار	۰/۰۴۷۹	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل برق	۰/۰۴۸۵		
بعد خانوار	۰/۰۴۸۴	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل تلفن	۰/۰۴۸۴		

۰/۰۴۸۵	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آب‌لوله‌کشی	۰/۰۴۷۹	ضریب مهاجرت
۰/۰۴۶۷	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی	۰/۰۴۸۲	نرخ رشد مسکن
۰/۰۴۳۸	حداقل دستگاه حرارت مرکزی	۰/۰۴۷۳	ضریب کمبود مسکن
۰/۰۴۲۶	حداقل حرارت و برودت مرکزی	۰/۰۴۸۵	متوسط خانوار به واحد مسکونی
۰/۰۴۸۴	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آشپزخانه	۰/۰۴۸۴	متوسط نفر در واحد مسکونی
۰/۰۴۸۵	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل حمام	۰/۰۴۸۴	متوسط تعداد اتاق در تصرف خانوار
۰/۰۴۸۴	درصد واحدهای مسکونی بادوام	۰/۰۴۸۳	متوسط نفر در اتاق
۰/۰۴۶۳	درصد واحدهای مسکونی بی‌دoram	۰/۰۴۸۳	متوسط اتاق در واحد مسکونی
مجموع وزن = ۱	تعداد کل شاخص‌ها = ۲۱	۰/۰۴۸۳	میانگین عمر بنا

منبع: محاسبات نگارندگان

گام چهارم: در این مرحله با توجه به ضرایب اهمیت معیارهای مختلف در تصمیم‌گیری، بردار وزن معیارها تعریف می‌شود. با ضرب عناصر ماتریس تصمیم‌بی مقیاس شده در وزن مربوط، ماتریس (جدول) نهایی تصمیم تشکیل می‌شود (پویا و علیزاده زوارم، ۱۳۹۳: ۱۱).

گام پنجم: تعیین بهترین و بدترین مقدار؛ بهترین و بدترین هر یک از مقادیر در هر معیار را شناسایی می‌کنیم و به ترتیب fi* و fi- می‌نامیم. جایی که * fi بهترین راه حل ایده آل مثبت برای معیار i ام و - fi- بدترین راه حل ایده آل منفی برای معیار i ام (پوراحمد و خلیجی، ۱۳۹۳: ۶).

رابطه (۵): $f_{ij}^* = \text{Max } f_{ij}$

رابطه (۶): $f_{ij}^- = \text{Min } f_{ij}$

جدول (۴): تعیین بهترین و بدترین مقدار

ضریب کمبود مسکن	نرخ رشد مسکن	ضریب مهاجرت	بعد خانوار	رشد خانوار	شاخص
۰/۰۰۲	۰/۰۱۹	۰/۰۰۳	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵	F Max
۰/۰۱۹	۰/۰۰۸	-۰/۰۲۲	۰/۰۱۴	۰/۰۲۲	F Min
-۰/۰۱۷	۰/۰۱۰	۰/۰۲۶	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۶	F* - F-
متواترین مسکونی	متواترین مسکونی	متواترین مسکونی	متواترین مسکونی	متواترین مسکونی	شاخص
ضریب کمبود مسکن	نرخ رشد مسکن	ضریب مهاجرت	بعد خانوار	رشد خانوار	شاخص
۰/۰۲۰	۰/۰۰۸	۰/۰۱۹	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	F Max
۰/۰۱۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	F Min
۰/۰۱۰	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۱	F* - F-
دارای حداقل گاز لوله‌کشی	دارای مسکونی	دارای مسکونی	دارصدهای مسکونی	میانگین عمر بنا	شاخص
۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	F Max
۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	F Min

F* - F-	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹
شاخص	حداقل دستگاه حرارت و برودت مرکزی	حداقل حرارت و مسکونی دارای حداقل آشپزخانه	درصد واحدهای مسکونی	درصد واحدهای مسکونی	درصد واحدهای مسکونی
F Max	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۴
F Min	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸
F* - F-	۰/۰۳۴	۰/۰۳۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵
شاخص	درصد واحدهای مسکونی بی دوام				
F Max	۰/۰۰۲				
F Min	۰/۰۳۱				
F* - F-	-۰/۰۰۲۸				

منبع: محاسبات نگارندگان

گام ششم: تعیین مقادیر شاخص‌های سودمندی (S) و تأسف (R) با توجه به روابط زیر به دست می‌آید (پویا و علیزاده زوارم، ۱۳۹۳: ۱۱):

$$1- \quad Si = \sum_{j=1}^n W_j \frac{f_{jj^+} - f_{jj^-}}{f_{jj^+} + f_{jj^-}} \quad \text{رابطه (۷):}$$

$$2- \quad Ri = \max \left(W_j \frac{f_{jj^+} - f_{jj^-}}{f_{jj^+} + f_{jj^-}} \right) \quad \text{رابطه (۸):}$$

گام هفتم: محاسبه مقدار ویکور Q؛ این مقدار برای هر یک از i ها به صورت زیر تعریف می‌شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵):

$$Qi = V \left(\frac{Si - S^+}{S^- - S^+} \right) + (1 - V) \left(\frac{Ri - R^+}{R^- - R^+} \right) \quad \text{رابطه (۹):}$$

$$S^- = \max Si, \quad S^+ = \min Si \quad \text{رابطه (۱۰):}$$

$$R^- = \max Ri, \quad R^+ = \min R \quad \text{رابطه (۱۱):}$$

جدول (۵): مقادیر شاخص‌های سودمندی (S)، تأسف (R) و مقدار Q

نام شهرستان	R	S	Q	رتبه	وضعیت
کرمانشاه	۰/۰۳۵	۰/۳۳۵	۰/۰۷۹	۱	کاملاً برخوردار
	۰/۰۴۰	۰/۲۷۶	۰/۱۷۴	۲	
پاوه	۰/۰۴۱	۰/۴۰۴	۰/۴۱۲	۳	متوسط برخوردار
	۰/۰۴۲	۰/۴۰۰	۰/۴۴۶	۴	
گیلان غرب	۰/۰۴۲	۰/۴۹۱	۰/۵۷۱	۵	
	۰/۰۴۷	۰/۳۶۴	۰/۵۹۸	۶	
صفنه	۰/۰۴۳	۰/۵۱۶	۰/۶۴۶	۷	
	۰/۰۴۸	۰/۴۶۴	۰/۷۵۳	۸	کمتر برخوردار

	۹	۰/۷۷۰	۰/۵۱۲	۰/۰۴۷	اسلام آباد
	۱۰	۰/۸۵۸	۰/۵۵۷	۰/۰۴۷	سرپل
	۱۱	۰/۸۷۹	۰/۵۵۸	۰/۰۴۸	قصر شیرین
محروم	۱۲	۰/۹۲۰	۰/۵۹۰	۰/۰۴۸	سنقر
	۱۳	۰/۹۳۸	۰/۶۰۲	۰/۰۴۸	دالاهو
	۱۴	۱	۰/۶۴۷	۰/۰۴۸	ثلاث باباجانی

منبع: محاسبات نگارندگان

رتیبه‌بندی بر اساس ارزش Q صورت گرفته است. به گونه‌ای که کمترین ارزش بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است. همان‌گونه که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، بر اساس مقدار Q از نظر شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، شهرستان کرمانشاه در بهترین وضعیت و شهرستان ثلاث باباجانی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

حال با توجه به نتایج به دست آمده شروط به صورت ذیل آزمون می‌گردد:

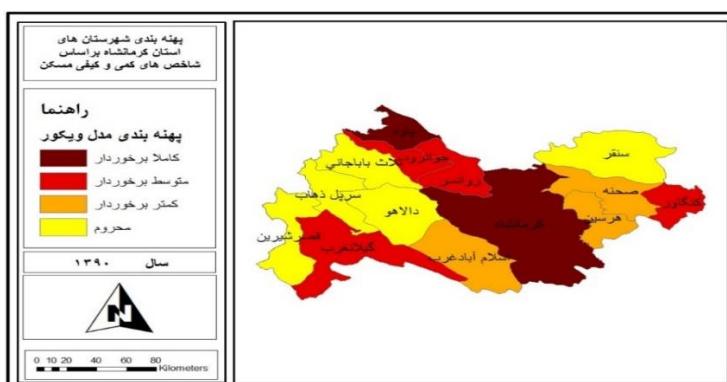
شرط اول

$$Q(A^{(2)}) - Q(A^{(1)}) \geq DQ \quad \text{رابطه (۱۲):}$$

که در آن $A(1)$ و $A(2)$ به ترتیب گزینه‌های اول و دوم هستند و $DQ = 1/(i-1)$ با توجه به اینکه مقدار Q برای آلترناتیو (گزینه) دوم برابر 0.174 و برای آلترناتیو اول برابر 0.076 می‌باشد. تفاصل این دو برابر با 0.1076 بوده که از مقدار $DQ = 0.076$ بیشتر است؛ بنابراین شرط اول تائید می‌گردد.

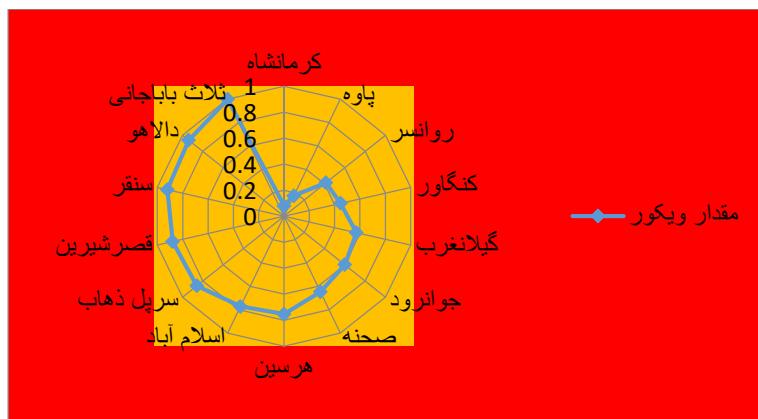
شرط دوم:

این است که گزینه اول باید همچنین از نظر S یا R نیز بهترین رتبه را داشته باشد. شهرستان کرمانشاه که بهترین رتبه را از نظر شاخص Q داشت از نظر شاخص R نیز بهترین رتبه را دارد؛ بنابراین شرط دوم نیز تائید می‌شود و شهرستان کرمانشاه رتبه اول را به خود اختصاص می‌دهد.



شکل (۲): پهنه‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن

مأخذ: یافته‌های نویسندهان



شکل (۳): نمودار ضریب ویکور برای شهرستان‌های استان کرمانشاه

منبع: محاسبات نگارندگان

آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه اول: به نظر می‌رسد وضعیت شهرستان‌های استان کرمانشاه در برخورداری از شاخص‌های مسکن نامتعادل است و اختلاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان شهرستان‌های ۱۴ گانه استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سال ۱۳۹۰ اختلاف زیادی وجود دارد و شکاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود. به‌طوری‌که دو شهرستان استان (کرمانشاه و پاوه) در سطح کاملاً برخوردار و پنج شهرستان استان (سرپل ذهاب، قصر شیرین، سنقر، دالاهو و ثلث باباجانی) در سطح محروم قرار دارند؛ بنابراین این فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و جمعیت آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۶): محاسبه همبستگی پیرسون در بررسی رابطه بین میزان برخورداری و جمعیت

محاسبه همبستگی پیرسون				
جمعیت	میزان برخورداری	سطح	حجم	محاسبه همبستگی پیرسون
۱	۰/۵۶۷	۰/۰۱۷	۱۴	
مجموعیت	۰/۵۶۷	۰/۰۱۷	۱۴	میزان برخورداری

منبع: محاسبات نگارندگان

برای بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه و جمعیت آن‌ها از آزمون پیرسون استفاده شد که نتیجه آن در جدول شماره (۶) آورده شده است. نتیجه این آزمون نشان داد که به لحاظ آماری بین میزان برخورداری شهرستان‌ها و جمعیت آن‌ها همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد و عمدتاً شهرستان‌های برخوردار آن‌هایی هستند که جمعیت بیشتری نیز دارند و متعاقباً شهرستان‌های کم‌تر برخوردار نیز جمعیت کم‌تری دارند؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (شهر کرمانشاه) رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۷): محاسبه همبستگی پیرسون در بررسی رابطه بین میزان برخورداری و فاصله از مرکز استان

		محاسبه همبستگی پیرسون	
فاصله از مرکز	میزان برخورداری	فاصله از مرکز	میزان برخورداری
۱	۰/۴۶۰	۱	۰/۰۴۹
۱۴	۰/۰۴۹	۱	۰/۴۶۰

منبع: محاسبات نگارندگان

برای بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه و فاصله آن‌ها از مرکز استان (شهر کرمانشاه) نیز، از آزمون پیرسون استفاده شد که نتیجه آن در جدول شماره (۷) آورده شده است. نتیجه این آزمون نشان داد که به لحاظ آماری بین میزان برخورداری شهرستان‌ها و فاصله آن‌ها از مرکز استان همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد و برخی از شهرستان‌های برخوردار، شهرستان‌هایی هستند که فاصله کمتری با مرکز استان دارند؛ بنابراین فرضیه سوم تحقیق نیز تائید می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسکن علاوه بر ساخت فیزیکی که یک خانواده به عنوان سرپناه مورداستفاده قرار می‌دهد، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی ضروری موردنیاز برای بهزیستی خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و تندرستی افراد است. درک وجوه مسکن و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوده نمادین، نهادین، مادی و زیبا شناسانه فرهنگ مسکن امکان‌پذیر است؛ در این راستا شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. به کمک این شاخص‌ها می‌توان تصویر درست و قابل‌فهمی را از شرایط مسکن به دست داد و پیشرفت‌ها و کم و کاستی‌ها را در تحقق اهداف بخش مسکن مشخص نمود. از این‌رو در تحقیق حاضر؛ برای بررسی وضعیت شهرستان‌های استان کرمانشاه در بخش مسکن از شاخص‌های مسکن، ۲۱ شاخص این بخش استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا با مطالعه کتب و مقالات مختلف در زمینهٔ شاخص‌های مسکن، کمی و کیفی این بخش استفاده شده است. درصد خانوارهای دارای حداقل برق با وزن $۰/۰۴۸۴$ بالهمیت‌ترین شاخص و حداقل حرارت و برودت در میان شاخص‌ها، درصد خانوارهای دارای حداقل برق با وزن $۰/۰۴۲۵$ کم‌همیت‌ترین شاخص می‌باشد. سپس به‌منظور تعیین میزان برخورداری و رتبه‌بندی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه بر اساس این شاخص‌ها از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (ویکور) استفاده شد. نتایج حاصل از مدل ویکور کمی و کیفی مؤثر در بخش مسکن شناسایی شدند، آنگاه از روش آنتروپی شانون برای وزن دهی به این شاخص‌ها استفاده شد. در میان شاخص‌ها، درصد خانوارهای دارای حداقل برق با وزن $۰/۰۴۹$ بالهمیت‌ترین شاخص و حداقل حرارت و برودت مرکزی با وزن $۰/۰۴۹$ کم‌همیت‌ترین شاخص می‌باشد. سپس به‌منظور تعیین میزان برخورداری و رتبه‌بندی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه بر اساس این شاخص‌ها از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (ویکور) استفاده شد. نتایج حاصل از مدل ویکور نشان داد که در سال ۱۳۹۰ شهرستان کرمانشاه در رتبه نخست برخورداری و شهرستان ثالث باباجانی در رتبه آخر برخورداری قرار دارند. همچنین در این سطح‌بندی مشخص گردید که شهرستان‌های کرمانشاه و پاوه در سطح کاملاً برخوردار، شهرستان‌های روانسر، کنگاور، گیلان غرب و جوانرود در سطح متوسط برخوردار، شهرستان‌های صحنه، هرسین و اسلام‌آباد در سطح کمتر برخوردار و شهرستان‌های سرپل ذهاب، قصر شیرین، سقرا، دالاهو و ثالث باباجانی در سطح محروم قرار دارند؛ اما نکته قابل توجه اینکه بیش از ۵۷ درصد شهرستان‌های استان کرمانشاه در سطح کمتر برخوردار و محروم قرار دارند که حاکی از وضعیت نامناسب این ۸ شهرستان استان در برخورداری از شاخص‌های مسکن می‌باشد و فقط ۲ شهرستان استان در سطح کاملاً

برخوردار قرار دارد که نشان می‌دهد اختلاف زیادی میان شهرستان‌های استان در برخورداری از شاخص‌های مسکن وجود دارد و شکاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود؛ که رفع این مشکل مستلزم توجه مسؤولان و برنامه‌ریزی دقیق و توسعه محور در این بخش می‌باشد تا با برنامه‌ریزی دقیق وضعیت شهرستان‌های محروم در برخورداری از شاخص‌های مسکن بهبود یابد و شکاف موجود میان شهرستان‌ها کم‌تر شود. نتیجه بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و جمعیت آن‌ها نشان داد که بین این دو عامل همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد و عمدهاً شهرستان‌های برخوردار آن‌هایی هستند که جمعیت بیشتری نیز دارند.

نتیجه بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (شهر کرمانشاه) نشان داد که بین این دو عامل همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد و برخی از شهرستان‌های برخوردار شهرستان‌هایی هستند که فاصله کم‌تری با مرکز استان دارند؛ بنابراین با توجه به وجود همبستگی نسبتاً بالا بین عامل جمعیت و سطح برخورداری شهرستان‌ها از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، به نظر می‌رسد سیاست‌های توسعه مسکن در این منطقه، بیشتر تحت تأثیر عامل جمعیت بوده که به عنوان مبنای سرمایه‌گذاری قرار گرفته است. از این‌رو؛ جهت تعادل منطقه‌ای و حرکت به سمت توسعه پایدار، لازم است که سیاست‌های توسعه مسکن و سایر سیاست‌ها، نگاه ویژه‌ای به شهرستان‌های محروم و کم‌جمعیت داشته باشند، در غیر این صورت شاهد افزایش نابرابری منطقه‌ای خواهیم بود. در پایان با توجه به وضعیت موجود شهرستان‌ها، تدوین یک برنامه جامع هماهنگ برای کاهش شکاف موجود میان شهرستان‌ها و بهبود وضعیت شهرستان‌های محروم در زمینه مسکن، الزامی می‌باشد.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و قاسمی، عزت‌الله (۱۳۹۴)، «ارزیابی شاخص‌های کالبدی مسکن شهری با رویکرد توسعه پایدار مطالعه موردنی: شهر سامان»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال هفتم، شماره بیست و ششم، صص ۸۳-۱۰۴.
- امان‌پور، سعید و مودت، الیاس (۱۳۹۲)، «سنگش و رتبه‌بندی میزان توسعه و فقر در استان خوزستان»، *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۱۳-۱۳۲.
- بهرامی، رحمت‌الله، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه»، *فصلنامه مسکن و محیط روستایی*، شماره ۱۳۴، صص ۹۵-۱۰۴.
- پشاوآبادی، شهرام. زیاری، کرامت‌الله. حاجی، مهسا و مرادی، اسعد (۱۳۹۴)، «ارزیابی تطبیقی سیر تحول شاخص‌های مسکن شهر مریوان با نقاط شهری استان کردستان و کشور ایران»، *فصلنامه مطالعات شهری*، دوره چهارم، شماره پانزدهم، صص ۵۲-۳۷.
- پوراحمد، احمد و خلیجی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «قابلیت سنجی تحلیل خدمات شهری با استفاده از تکنیک VIKOR (مطالعه موردنی شهر بناب)»، *مجله برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱-۱۶.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۹۳)، «کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا»، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی مسکن»، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- پویا، علیرضا و علیزاده زوارم، علی، (۱۳۹۳)، «حل مسئله انتخاب تأمین‌کننده با استفاده از مدل ترکیبی تحلیل سلسه‌مراتبی دلفی فازی-VIKOR (FDAHP-VIKOR)»، *پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، دوره چهارم، شماره چهارم، صص ۲۳-۴۸.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ کانونی، رضا؛ خاوریان گرسی، امیررضا و پاسبان عیسی لو، وحید (۱۳۹۴)، «تحلیل نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای در بخش بهداشت و درمان استان اردبیل»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱-۱۴.
- جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داود؛ صیدایی، اسکندر و نجفی، مریم (۱۳۹۲)، «تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح-بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای»، *فصلنامه مسکن و محیط روستایی*، شماره ۱۴۳، صص ۶۹-۸۸.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۹۲)، «کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای»، تهران: انتشارات آزادپیما.
- زنگی‌آبادی، علی و علیزاده، جابر (۱۳۹۲)، «تحلیل شاخص‌های سکونتی در شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از روش شباهت به گرینه ایده آل فازی (نمونه موردنی: نقاط شهری)»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال بیست و چهارم، شماره دوم، صص ۱۱۰-۱۱۹.
- زیاری، کرامت‌الله و زرافشان، عطالله (۱۳۸۵) «بررسی تغییرات کمی و کیفی مسکن در شهر مراغه و پیش‌بینی مسکن موردنیاز تا سال ۱۴۰۲»، *مجله جغرافیا و توسعه*، صص ۸۵-۱۰۵.
- زیاری، کرامت‌الله؛ مهد نژاد، حافظ؛ پرهیز، فریاد و آقاجانی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت مسکن گروه‌های درآمدی و برآورد مسکن گروه‌های کمدرآمد (نمونه موردنی: استان هرمزگان)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره نود و هشتم، صص ۵۵-۲۹.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۰.
- سرور، رحیم و خلیجی، محمد (۱۳۹۴)، «سنگش درجه توسعه‌یافته‌گی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص ۸۹-۱۰۲.
- شاهرخی‌فر، زینب، (۱۳۹۵)، «تحلیلی تطبیقی از سیاست‌های اجرایی بخش مسکن در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی (کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: ابوالفضل مشکینی.
- صارمی، حمیدرضا و ابراهیم‌پور، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی شاخص‌های مسکن ایران و جهان (مطالعه موردنی: ایران، انگلیس و فرانسه)»، *فصلنامه هویت شهر*، شماره دهم، سال ششم، صص ۹۱-۱۰۲.

- عابدینی، اصغر و کریمی، رضا (۱۳۹۴)، «بررسی و رتبه‌بندی مناطق چهارگانه شهر ارومیه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ششم، شماره بیست و چهارم، صص ۴۹-۶۴.
- کشوردوست، علیرضا؛ حسن‌پور، رضا؛ غمخوار، ایرج و موسی پور میان دهی، پری (۱۳۹۲)، «بررسی شاخص‌های کمی، کیفی و برآورد مسکن موردنیاز شهر رشت در افق ۱۴۰۰»، *مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، سال ۸ شماره ۲۵، صص ۱۱۲-۹۵.
- گروسی، علی‌رضا (۱۳۹۵)، «تحلیل شاخص‌های کیفی مسکن در نواحی شهری نظرآباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- محمدی، کاوه و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت شاخص‌های مسکن در شهر سردشت استان آذربایجان غربی (مطالعه موردي شهر سردشت استان آذربایجان غربی)»، *فصلنامه آمایش محیط*، شماره هفدهم، ۱۱۰-۸۷.
- مرصوصی، نفیسه؛ حاتمی نژاد، حسین؛ طالشی، مصطفی و عباسی، حامد (۱۳۹۱)، «بررسی وضعیت مسکن غیررسمی در شهرهای استان تهران با استفاده از تحلیل خوش‌ای»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۲، شماره ۲۶، صص ۱۰۵-۸۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، «سرشماری عمومی نفووس و مسکن استان کرمانشاه».
- ملکی، سعید و شیخی، حجت، (۱۳۸۸)، «بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در سطح استان‌های کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۲۷، صص ۱۰۷-۹۴.
- موسوی، میر نجف؛ ویسیان، محمد؛ محمدی حمیدی، سمیه و اکبری، مهناز (۱۳۹۴)، «بررسی و اولویت‌بندی توان‌ها و زیرساخت‌های توسعه گردشگری با روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (موردمطالعه: شهرستان‌های استان کردستان)»، *فصلنامه گردشگری شهری*، دوره دوم، شماره اول، صص ۳۱-۱۷.
- Aluko, O. (2011). "The Effects of Location and Neighbourhood Attributes on Housing Values in Metropolitan Lagos". *Ethiopian Journal of Environmental Studies and Management*, Vol 4No2, pp69-82.
- Arnott, R. (2008), "Housing Policy in Developing Countries: The Importance of the Informal Economy", World Bank, Commission on Growth and Development, Pp.11-20
- Buckley, R. & Jerry, Kalarickal. (2005), "Housing Policy in developing Countries: Conjectures and Refutations", *World Bank Res Obs* (Fall 2005), 233- 257.
- Choguill, Charles. L, (2007), "The search for policies to support sustainable housing". *Habitat International*,31 (1), 143-149.
- Domanshi, H. (2008). "Housing Conditions; in handbook of quality of life in the enlarged European Union". Edited by: Jens Alber, Tony Fahey and Chiara Saraceno.
- Flood,j(2012), "Housing Indicators, AHURI-RMIT, Melbourne, VIC, Australia", Downloaded from <http://www.elearnica.ir>
- Hafazah, A.K. (2012). "Low Cost Housing Environment: Compromising Quality of Life?", *Procedia-Social and Behavioral Science*, Vol 35: pp44-53.
- Huang, J, J. Tzeng, G, H & His Liu, Hsiang, (2009) "A Revised VIKOR Model for Multiple Criteria Decision Making - The Perspective of Regret Theory" *Graduate Institute of international Business, NationalTaipei University*, Sansia, Taiwan
- Knapp, E. (1982). "Housing Problems in Third World". University of Stuttgart, 35.
- Opricovic, S and Tzeng, G-H (2004) "Compromise Solution by MCDM Methods: A Comparative Analysis of VIKOR and TOPSIS", *European Journal of Operational Research*, 445.
- Reckford,j(2005), "Global Housing Indicators: Evidence for action", Habitat for Humanity International, Washington, Americas
- Ruonavaara, Hannu, (2018), "Theory of Housing, From Housing, About Housing", *Housing, Theory and Society*, Routledge Taylor & Francis Group, Vol 35, No 2, 178-192.
- Short, J.R and Kim, Yeong-HYUM, (2008), "Cities and Economics, Newyork: Routledge WECD, out common future", oxford university press, 1987.
- UN habitat(2002), "The Right to Adequate Housing", *Fact Sheet*, No. 21/Rev.1
- UN HABITAT, (2009), "Urbanization and development emerging futures, world Cities report", <http://www.unhabitat.org>.
- UN habitat, (2011), "A Practical Guide for Conducting: Housing Profiles", Copyright© United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT), 2010. HS Number: HS/034/11 ISBN Number: 978-92-1-132028-2
- UN-Habitat (2015), "Gender Issue Guide: Housing and Slum Upgrading", <http://www.unhabitat.org/urban-themes/housing-slum-upgrading/>
- Warnock VC, Warnock FE (2008), "Markets and housing finance", *Journal of Housing Economics* xxx (2008)
- Westaway, Margaret S. (2006), "A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Life in an Informal South African Housing Settlement, Doornkop, Soweto". *Habitat International*, Vol. 30

